

# خانم دَلْوِی

ویرجینیا وولف

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

ترجمه

فرزانه طاهری



انتشارات نیلوفر

|                        |  |
|------------------------|--|
| سرشناسه                | : وولف، ویرجینیا، ۱۸۸۲-۱۹۴۱ م. Voolf, Wirginia                         |
| عنوان و نام پدیدآور    | : خاتم دلوی / ویرجینیا وولف؛ مترجم فرزانه طاهری.                       |
| مشخصات نشر             | : تهران، نیلوفر، ۱۳۸۷.   |
| مشخصات ظاهری           | : ۴۳۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.  |
| شابک                   | : 978-964-448-418-6  |
| وضعیت فهرست‌نویسی: فیا |  |
| یادداشت                | : عنوان اصلی: Mrs. Dalloway, c2005.                                    |
| یادداشت                | : کتاب حاضر تحت عنوان «خاتم دالووی» و «خاتم دالووی» نیز منتشر شده است. |
| موضوع                  | : داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.                                       |
| شناسه افزوده           | : طاهری، فرزانه، ۱۳۳۷ - ، مترجم.                                       |
| رده‌بندی کنگره         | : ۱۳۸۷ خ ۲ / ۸۷ و / ۳ PZ   |
| رده‌بندی دیویی         | : ۸۳۳/۹۱۲  |
| شماره کتابشناسی ملی    | : ۱۶۱۸۶۴۳  |

|                 |                |               |
|-----------------|----------------|---------------|
| چاپ اول: ۱۳۸۸   | چاپ دوم: ۱۳۹۲  | چاپ سوم: ۱۳۹۵ |
| چاپ چهارم: ۱۳۹۷ | چاپ پنجم: ۱۳۹۸ | چاپ ششم: ۱۴۰۰ |
| چاپ هفتم: ۱۴۰۱  |                |               |

www.ketab.ir



انتشارات نیلوفر خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

ویرجینیا وولف

**خاتم دلوی**

ترجمه فرزانه طاهری

حروف چینی: شبستری

چاپ اول: ۱۳۸۸

چاپ هفتم: بهار ۱۴۰۱

چاپ دیبا

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: niloofarpublications.com

## فهرست

|       |  |
|-------|--|
| ۹     | یادداشت مترجم                          |
| ۱۳    | پیشگفتار ویرجینیا وولف                 |
| ۱۷    | چندگفته وولف درباره خانم دَلْوِی       |
| ۱۹    | زندگینامه وولف از فرانک کرمود          |
| ۲۷    | سالشمار زندگی و زمانه ویرجینیا وولف    |
| ۴۰-۴۱ | نقشه لندن خانم دَلْوِی                 |
| ۴۳    | خانم دَلْوِی                           |
| ۲۷۵   | پی نوشت ها                             |
| ۳۱۹   | پیشگفتار دیوید بردشاو بر خانم دَلْوِی  |
| ۳۶۷   | گزیده کتابشناسی                        |
| ۳۷۳   | پیشگفتار مری پاولووسکی بر خانم دَلْوِی |
| ۴۰۳   | چند نکته                               |

## یادداشت مترجم

نزدیک به سه سال است که با ترجمه خانم دلوی دست و پنجه نرم می‌کنم. ذهنم اما سال‌ها درگیر این رمان وولف و البته به سوی فانوس دریایی بود. ترجمه این دو از آنه‌خارخارهای ذهن بود که مدام به پشت و پسله ذهنم می‌راندمش؛ شاید از همان دوره دانشجویی که اول بار این دو رمان را خواندم. خیلی سال پیش. اما بالاخره دل به دریا زدم، بیشتر به اصرار ناشرم، آقای حسین کریمی، که سال‌ها این را از من می‌خواست، و فرزندانم که این ترجمه را به آنها تقدیم کرده‌ام. چندین صفحه را ترجمه کرده بودم، شاید حتی نیمی از رمان را، که دو تایی در سالروز تولدم برایم لپ‌تاپی هدیه خریدند تا اگر هم در سفر بودم یا مثلاً نمی‌شد کامپیوترم را به اتاقی دیگر ببرم، هر بهانه‌ای برای به تعویق انداختن این کار را از من بگیرند که واقعاً به دنبال بهانه می‌گشتم. هر کتابی را که طلب کردم برایم تهیه کردند و به دستم رساندند. ذهنم را هم باید از کارهای دیگر برمی‌گرفتم که این ترجمه ذهنی به تمامی موقوف به خود می‌طلبید؛ همان کارهای دیگری که زودتر شاید رنگ چاپ ببینند و حق البوق و گذران این روزمرگی. و سراغ گرفتن از ترجمه شد موضوع همیشگی صحبت‌هاشان و «چت»‌هایمان از راه دور و نزدیک. کافی بود کاری را تقبل کنم و سیل سرزنش‌هاشان بر من بارد. بیشتر البته چند کار کوتاه، طرح یا

داستان، از وولف ترجمه کرده‌ام که بعضی چاپ شدند، در مفید و آدینه و...، که بقیهٔ دستنوشته‌های ترجمه‌ها را دور ریختم، در خانه‌تکانی نوروزی سال‌ها پیش. آخر می‌دانستم که وولف، وولف واقعی، در همین رمان‌هاست.

تحریرهای مکرر بود و باز نارضایتی. دلم قرص نمی‌شد و شاید هنوز هم قرص نشده باشد. اما باید جایی جمعش می‌کردم. باز برای گریز به سر وقت خواندن دربارهٔ او و کارهایش رفتم. این هم وادی‌ای بود که ماه‌ها در آن سرگردان شدم. صدها صفحه درباره‌اش خواندم و در جهان بی‌مرز اینترنت غوطه خوردم. اما دیدم که فرصت لذت بردن از این تجمل را هم ندارم. هرچه می‌دیدم، و سوسهام می‌کرد تا بغل بغل کشفیاتم را از این اقیانوس بیرون بکشم و به دامن خوانندگان این کتاب بریزم. اما باز بر خود لگام زدم. به خودم وعده دادم که روزی کتابی از گزیدهٔ این مقالات ترجمه خواهم کرد. فقط بخشی از یادداشت‌های حاصل از این گشت و گذارها را در پایان کتاب آورده‌ام با عنوان «چند نکته» که در آن مقولاتی را به صورت جداگانه مطرح کرده‌ام.

پیشگفتارها و یادداشت‌های انتهای کتاب را از سه چاپ این رمان برگرفته‌ام. همهٔ اینها را به‌جز آنچه پس از این یادداشت می‌بینید به انتهای کتاب برده‌ام تا خواندن رمان بی‌پیشداوری آغاز شود. در واقع بهتر این دیدم که خواننده رمان را بخواند، بار اول بدون رجوع به یادداشت‌ها و پیشگفتارها و توضیحات و... و بعد آنها را بخواند، یا در خواندن دوبارهٔ رمان، در صورت نیاز، به یادداشت‌ها رجوع کند. حتی یادداشت‌های کوتاه را هم به صورت پانوشت صفحات نیاوردم تا جریان آرام و بی‌وقفهٔ خواندن رمان مختل نشود. و البته گفتن ندارد که لذت خواندن را نمی‌توان از عنصر غافلگیری، رازها و کشف‌هایی که در هر روایتی هست، جدا کرد.

مقدمهٔ خود وولف بر نخستین چاپ رمان در امریکا را در ابتدای کتاب آورده‌ام که جایگاهی دیگر می‌طلبید. تلاش‌هایم برای یافتن این مقدمه

داشت به شکست می‌انجامید وقتی که دیدم فقط در نسخه‌های عتیقه‌شده به قیمت‌های گزاف می‌شود آن را تهیه کرد. گشت‌وگذارهای پسرم در لندن هم به جایی نرسید. تا اینکه آن را در مجموعه‌شش‌جلدی مقالات و جستارهای وولف سراغ کردم و دوست جوانم حامد یوسفی آن را در کتابخانه بریتانیا یافت و اسکن شده‌اش را برایم فرستاد که از او سپاسگزارم.

فرزانه طاهری

زمستان ۱۳۸۷